

قانون حاکم بر اهلیت قراردادی^۱

(بعثی تطبیقی در قانون مدنی ایران و عهدنامه رم ۱۹۸۰^۲ و قانون بین الملل خصوصی سویس^۳

مصوب ۱۹۸۲ و کنوانسیون قانون قابل اعمال بر قراردادهای بیع بین المللی^۴ ۱۹۸۶)

خسرو عباسی داکانی

مقدمه

همان طور که می‌دانیم مسئله تعارض قوانین در رابطه با قراردادهای در چهار حوزه قابل تصور است:

الف - تعارض قوانین در خصوص شکل قرارداد و طرز تنظیم آن

ب - تعارض قوانین در خصوص تشکیل قرارداد و شرایط اساسی صحت آن

ج - تعارض قوانین در خصوص حقوق و تعهدات طرفین آن و آثار حقوقی قرارداد

1. legal Capacity.

2. Ec Convention on the Law Applicable to Contractual Obligations (Rome 1980)

3. Private International Law Act of the Swiss Con Federation. (1982)

4. Un Convention on the Law Applicable to Contracts For International Sale of Goods, 1986.

۵. خسرو عباسی داکانی، سردفتر اسناد رسمی ۱۰۶ تهران و دانشجوی رشته حقوق تجارت بین الملل.

د - تعارض قوانین در خصوص تفسیر قوانین و قراردادها

در قانون مدنی ایران موضوع تشکیل قرارداد تحت عنوان "شرایط اساسی صحت معامله" مورد توجه قرار گرفته است. براساس (ماده ۱۹۰) وجود شرایط زیر برای تشکیل قرارداد یا صحت آن ضروری است:

الف - اهلیت طرفین

ب - قصد طرفین و رضای آنها

ج - موضوع معین که مورد معامله واقع شود

د - مشروعیت جهت معامله

موضوع این تحقیق بررسی تعارض قوانین در خصوص «اهلیت قراردادی» یا به تعبیر دیگر «اهلیت معاملاتی» است که به حوزه تشکیل قرارداد تعلق دارد. مطابق ماده ۲۱۰ قانون مدنی متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند و مطابق ماده ۲۱۲ معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است و به موجب ماده ۲۱۳ همان قانون معامله محجورین نافذ نیست.

در ابتدا این سؤال مطرح می شود که اهلیت چگونه ممکن است به مسئله تعارض قوانین مربوط شود و یا به عبارت دیگر تعارض قوانین در مورد اهلیت چگونه متصور می باشد؟

با ذکر یک مثال سعی می کنیم تا وارد این مبحث شویم:

مثال: فرض کنیم یک نفر ایرانی با یک نفر انگلیسی در انگلیس قراردادی در مورد خرید یا فروش اتومبیل منعقد می کنند و سپس در اجرای قرارداد با هم اختلاف پیدا می کنند. خریدار ایرانی از پرداخت ثمن معامله خودداری می کند و فروشنده انگلیسی در ایران علیه او اقامه دعوی می کند. خریدار به استناد قانون ایران ادعا می کند که هنگام انعقاد قرارداد فاقد اهلیت بوده و لذا معامله اساساً باطل است و او نباید چیزی بپردازد.

فروشنده ادعا می کند چون معامله در انگلیس واقع شده است براساس قوانین انگلیس

خریدار هنگام معامله دارای اهلیت بوده فلذا معامله صحیح است و او مکلف است ثمن معامله را بپردازد.

بنابراین ملاحظه می کنیم که در این مثال موضوع تعارض قوانین در خصوص اهلیت قراردادی مطرح می شود.

و قاضی ایرانی که رسیدگی به این دعوی به او محول می شود مکلف است بر طبق قواعد حل تعارض قانون ایران این اختلاف را حل نماید.

مبحث اول - قانون حاکم بر اهلیت قراردادی در قانون مدنی ایران

در رابطه با اهلیت قواعد حل تعارض قانون مدنی ایران به دو بخش تقسیم می شود:

الف - اهلیت در معنای عام آن در حقوق ایران جزء دسته ارتباطی احوال شخصیه طبقه بندی شده است، قاضی ایرانی بر طبق این توصیف در قانون مدنی ایران بدنبال قاعده مربوط به حل تعارض در خصوص احوال شخصیه باید باشد. در نتیجه چنانچه خریدار بر طبق قانون ایران فاقد اهلیت باشد باید حکم به ابطال قرارداد صادر نماید ولو آنکه مطابق قانون محل وقوع عقد واجد اهلیت باشد. زیرا مطابق ماده ۶ قانون مدنی ایران «قوانین مربوط به احوال شخصیه، از قبیل نکاح، ارث، طلاق و اهلیت اشخاص در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود».

ب - اهلیت موضوع این ماده با اهلیت قراردادی یا معاملاتی تفاوت دارد. اهلیتی که در این ماده مورد توجه قانون گذار قرار گرفته اهلیت تمتع یا اهلیت دارا شدن حق و به عبارت دیگر اهلیت در معنای عام آن می باشد ولیکن اهلیت برای انجام معامله عبارت از اهلیت خاص است که در ماده ۹۶۲ قانون مدنی بدان تصریح شده و به دسته ارتباطی قراردادهای تعلق دارد. و از قواعد حل تعارض قانون مدنی ایران می باشد. در ماده ۹۶۲ مقرر شده است که تشخیص اهلیت هرکس برای معامله کردن برحسب قانون دولت متبوع او خواهد بود. در نتیجه قاضی ایرانی براساس این ماده اهلیت برای انجام معامله را تابع قانون دولت متبوع شخص یعنی ایران دانسته و حکم مقتضی صادر می کند.

همان طور که ملاحظه می شود قانون مدنی ایران از جمله قوانینی است که احوال شخصیه از جمله اهلیت را تابع قانون ملی اشخاص می داند و در این رابطه تفاوتی بین اتباع ایران و خارج قائل نمی شود. علاوه بر آن اهلیت معاملاتی را نیز تابع قانون دولت متبوع شخص می داند. در همین ارتباط ماده ۷ قانون مدنی «اتباع خارجه مقیم در خاک ایران را از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و حقوق ارثیه در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود می داند».

این امر ظاهراً برخلاف اصل سرزمینی بودن قوانین است که در ماده ۵ قانون مدنی پذیرفته شده است، زیرا مطابق آن ماده «کلیه ساکنین ایران اعم از اتباع داخل و خارج مطیع قوانین ایران خواهند بود» اما در ادامه همان ماده اصل مزبور تخصیص یافته و قید شده است «مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد».

بنابراین مفاد ماده ۷ مغایرتی با مفاد ماده ۵ ندارد و موضوع اهلیت اتباع بیگانه مقیم ایران یکی از همان موارد استثنایی است که در خود قانون مقرر شده است.

از مفهوم ماده ۵ این طور استنباط می شود که ساکنین خارج از کشور اعم از اتباع داخلی و خارجی تابع قانون ایران نیستند. اما از آنجا که مفهوم مخالف در بسیاری از موارد حجت نمی باشد، در نتیجه ممکن است ساکنین خارج نیز برخلاف مفهوم ماده ۵ در مواردی تابع قانون ایران باشند. از جمله می توان به ماده ۶ قانون مدنی که از قوانین فرامرزی کشور است و بلافاصله پس از ماده ۵ به تصویب رسیده استناد نمود، زیرا همان طور که ملاحظه شد اتباع ایرانی مقیم در خارج را از حیث احوال شخصیه تابع قانون ایران می داند. همچنین اتباع ایرانی مقیم در خارج از لحاظ اهلیت معاملاتی نیز مطابق ماده ۹۶۲ قانون مدنی، تابع قانون ایران هستند مگر آنکه موضوع دعوی نزد دادگاه کشور دیگری مطرح شود که در این صورت قانون کشور دیگری بر دعوی ممکن است حاکم شود.

همچنین به قیاس اولویت می توان از ماده ۷ قانون مدنی استفاده نمود و حکم داد که اتباع خارجی مقیم در خارج از ایران نیز از حیث احوال شخصیه تابع قانون ملی خود هستند

و ذکر محل اقامت آنها در ماده ۷ و تصریح بدان تنها به این دلیل صورت گرفته که حکم مورد را از دامنه شمول ماده ۵ قانون خارج سازد. زیرا در غیر این صورت این توهم پیش می‌آید که منظور قانون‌گذار آن دسته از اتباع خارجی است که در خارج از کشور ایران اقامت دارند و تنها آنها هستند که در خصوص احوال شخصیه و اهلیت معاملاتی و حقوق ارثیه تابع قانون ملی خویش هستند ولی آن دسته از اتباع خارجی که در خاک ایران اقامت دارند مطابق ماده ۵ قانون مدنی تابع قوانین ایران هستند. در نتیجه قانون‌گذار برای دفع این شبهه ناگزیر به تصریح موضوع اقامت در ماده ۷ شده است، در غیر این صورت اتباع خارجی مقیم ایران از ویژگی خاصی برخوردار نیستند که حکم مندرج در ماده تنها به ایشان اختصاص داشته باشد و بقیه اتباع خارجی از حیث مسائل مربوط به اهلیت و احوال شخصیه تابع قانون ایران یا کشور دیگری باشند.

به علاوه قانون مدنی ایران، در ماده ۹۶۲، براساس همین استدلال، اشخاص را از حیث اهلیت انجام معامله نیز تابع قانون دولت متبوع خود می‌داند و اجرای حکم مندرج در ماده را منوط یا مشروط به اقامت ایشان در خاک ایران ننموده است در نتیجه اتباع خارجی مقیم ایران یا مقیم سایر کشورها خواه از لحاظ احوال شخصیه، شامل اهلیت عام، و یا از نظر اهلیت انجام معامله از نظر قانون مدنی ایران و قواعد حل تعارض آن تابع قانون دولت متبوع خویش هستند، اما در سایر موارد کماکان قوانین ایران براساس ماده ۵ قانون مدنی بر کلیه سکنه کشور اعم از اتباع داخل و خارج حاکم خواهد بود.

هرچند وضع قواعد حل تعارض قوانین در مقررات قانون مدنی از سوی مقنن به این دلیل صورت گرفته تا محکمه ایرانی هنگام مواجهه با دعوی که عنصر خارجی در آن وجود دارد و به دعوی جنبه بین‌المللی می‌دهد با اجرای قواعد حل تعارض بتواند قانون مناسب و قابل اعمال را شناسایی نموده و به اجرا درآورد ولیکن در عمل ممکن است شناسایی و اجرای قانون خارجی توسط محکمه ایرانی به صورت یک جانبه انجام شود و در موارد مشابه که دعوی یک ایرانی در محکمه خارجی مطرح می‌شود دادگاه خارجی اصلاً به این

موضوع توجهی ننموده و تنها مطابق قوانین داخلی کشور خود به دعاوی اتباع ایرانی رسیدگی نماید و یا آنکه قانون محل اقامتگاه ایشان را بر اهلیت قراردادی یا احوال شخصیه حاکم بداند، در نتیجه اجبار و الزام دادگاه ایرانی به شناسایی و اجرای قانون دولت متبوع خارجی فاقد منطق لازم و در مواردی به ضرر اتباع ایران و عملی لغو خواهد بود.

به همین دلیل قانونگذار در ادامه ماده ۷ رعایت مقررات قانون دولت متبوع اتباع خارجی را از سوی محاکم ایران در مورد اهلیت و احوال شخصیه تنها در صورتی الزامی می‌داند که به موجب معاهده برانجام و رعایت آن در کشورهای طرف قرارداد توافق شده باشد به عبارت دیگر در مواردی که عمل متقابل صورت نمی‌گیرد و معاهده ای فیما بین کشور در خصوص مورد منعقد نشده باشد اصل سرزمینی بودن قوانین اقتضاء می‌کند که مقررات ایران حاکم بر موضوع باشد.

نتیجه دیگری که از اصل سرزمینی بودن قوانین و ماده ۵ قانون مدنی حاصل می‌شود آن است که هر جا قاعده واستثنای صریحی مبنی بر اجرای قانون خارجی در قوانین ایران وجود داشته باشد محکمه ایرانی می‌تواند قانون خارجی را به اجرا بگذارد ولی در موارد سکوت یا تردید و ابهام و در جایی که حکم صریحی در قانون ایران در این باره وجود نداشته باشد مطابق اصل اولیه محکمه ایرانی مکلف به اجرای قوانین ایران می‌باشد. از جمله در مواردی که افراد بی‌تابعیت یا دارای تابعیت مضاعف هستند نمی‌توان مقررات ماده ۷ قانون مدنی را اعمال نمود، در نتیجه باید به اصل کلی مندرج در ماده ۵ قانون مدنی رجوع نموده و قانون ایران را در خصوص مورد حاکم دانسته و اجرا نمود.

نکته دیگر آن است که اجرای قانون خارجی در ایران در صورتی که بموجب معاهده از سوی دولت ایران پذیرفته و تعهد شده باشد از آنجا که مقررات معاهده به موجب ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم قانون می‌باشد بنابراین محکمه ایرانی مکلف به اجرای مفاد آن و شناسایی و اجرای قانون خارجی قابل اعمال در خصوص دعوی مطروحه خواهد بود اما شناسایی و اجرای قانون خاص در دعاوی مطروحه در دادگاه داخلی به موجب ماده ۹

محدود به مدت و شرایطی خواهد بود که در عهدنامه مقرر شده است.

اما چنانچه معاهده‌ای در خصوص مورد بین دولت ایران و دولت خارجی منعقد نشده باشد محکمه ایرانی، با اندکی مسامحه، در اجرای قانون خارجی یا عدم اجرای آن مخیر بوده و کسی نمی‌تواند او را به اجرای قانون خارجی ملزم سازد و دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال پرونده براساس قوانین ایران یا قانون خارجی به موضوع دعوی و اختلاف رسیدگی نماید.

مطابق ماده ۹۷۳ یکی از مواردی که موجب می‌شود تا محکمه داخلی حتی باوجود انعقاد معاهده نیز از رعایت قانون خارجی و اجرای آن صرفنظر نماید مربوط به موردی است که قانون خارجی موضوع ماده ۷ قانون مدنی ایران به قانون دیگری ارجاع داده باشد. در این صورت محکمه مکلف به رعایت این احاله درجه دوم نبوده و می‌تواند مطابق قانون دولت متبوع شخص خارجی به موضوع رسیدگی و حکم صادرکند مگر آنکه احاله به قانون ایران شده باشد که در این صورت دادگاه مکلف به قبول احاله و اجرای قوانین ایران خواهد بود.

مورد دیگر آن است که در ماده ۹۷۴ قانون مقرر شده است که مقررات مواد ۷ و ۹۶۲ تا ۹۷۴ تا حدی به موقع اجرا گذارده خواهد شد که مخالف عهود بین المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده و یا قوانین مخصوص نباشد بنابراین هرگاه برخلاف مقررات مندرج در مواد مرقوم، دولت ایران معاهده‌ای را امضاء کرده باشد در حدود معاهده مزبور و موارد مشمول آن معاهده مقررات فوق‌الاشعار قابلیت اجرا نداشته و حسب مورد مقررات معاهده جایگزین مقررات مرقوم خواهند شد و محکمه داخلی مکلف به رعایت این دستور و اجرای مفاد معاهده و مقررات موضوع آن خواهد بود.

یکی دیگر از موانع اجرای قانون خارجی مناسب یا قابل اعمال درخصوص تشکیل قراردادها و اهلیت، به موجب ماده ۹۷۵ قانون مدنی، آن است که قانون خارجی مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد بنابراین در مواردی که قانون خارجی که علی‌الاصول

اجرای آن مجاز می باشد به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا بعثت دیگر مخالف با نظم عمومی و اخلاق حسنه محسوب شود محکمه داخلی مجاز به اجرای آن نخواهد بود. البته نظم عمومی و اخلاق حسنه از مفاهیمی هستند که از جامعه و کشوری به جامعه و کشور دیگر و از یک برهه زمانی تا برهه دیگر در یک کشور معانی متفاوت و متعددی ممکن است بیابند و بر روی مصادیق آن اتفاق نظر وجود ندارد ولیکن در زمان رسیدگی به پرونده از نظر محکمه داخلی نباید قانون خارجی مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد. همان طور که ملاحظه می شود قانون گذار براساس ملاحظات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، داخلی و بین المللی به سختی اجازه می دهد تا قوانین خارجی در داخل کشور به اجرا گذاشته شود و تمایلی بدان ندارد مگر آنکه قانون خارجی از صافی های متعددی عبور کرده و بی خطر بودن و مفسده نداشتن اجرای آن احراز شده باشد همان طور که در بسیاری از کشورهای دیگر نیز وضع بر همین منوال است.

صرفنظر از موارد یاد شده در ماده ۹۶۲ قانون مدنی ملاحظه می کنیم که قانون گذار بدون هیچ قید و شرطی اهلیت برای انجام معامله را تابع قانون دولت متبوع تبعه خارجی دانسته و آن را تابع هیچ یک از ملاحظات مختلف فوق الاشعار ننموده است. درست مثل اینکه یک قاعده کلی و مستقل درخصوص اهلیت قراردادی وضع نموده است. بدین معنی که محکمه ایرانی در تشخیص اهلیت معاملاتی اشخاص موظف است به قانون دولت متبوع وی توجه و آن را رعایت نماید. اما این تنها یک طرف قضیه است، زیرا همان طور که قبلاً بیان شد مطابق ماده ۹۷۵ که ناظر بر این ماده است اجرای قانون خارجی تنها تا جایی مجاز می باشد که برخلاف عهدنامه های بین المللی که دولت ایران در آن عضو گردیده و یا قوانین مخصوص نباشد.

صرف نظر از قید اخیر، مفاد ماده ۹۶۲ قانون مدنی که یکی از قواعد حل تعارض قانون ایران می باشد در موارد مقتضی که مانعی بر سر راه اجرای آن وجود ندارد توسط دادگاه ایرانی در مواردی که به اختلاف اتباع ایران با اتباع خارجی و یا اتباع خارجی با هم دیگر

رسیدگی می نماید برای تشخیص اهلیت طرف‌های خارجی باید رعایت شود به عبارت دیگر براساس قانون دولت متبوع اتباع خارجی باید اهلیت ایشان احراز شود.

در مواردی که بین اتباع ایرانی و خارجی اختلاف قراردادی ناشی از اهلیت ایجاد می‌شود و این اختلاف به محکمه ایرانی جهت رسیدگی ارجاع می‌شود هرچند به موجب صدر ماده ۹۶۲ تشخیص و احراز اهلیت طرف خارجی باید براساس قانون دولت متبوع او صورت گیرد اما در صورتی که مطابق قانون مزبور طرف خارجی فاقد اهلیت و یا دارای اهلیت ناقص برای انجام معامله باشد دادگاه رأی به ابطال آن قرارداد و عمل حقوقی صادر نخواهد کرد. هرگاه معلوم شود که آن شخص قطع نظر از تابعیت خارجی‌اش، مطابق قانون ایران برای انجام آن عمل دارای اهلیت می‌باشد. در این مورد ذکر یک مثال مفید خواهد بود.

مثال: هرگاه یک ایرانی و یک دانمارکی در ایران قراردادی راجع به فروش فرش منعقد کنند و فروشنده ایرانی فرش‌ها را برای خریدار دانمارکی ارسال کند ولی به علت کاهش تقاضا در دانمارک خریدار از قبول فرش‌ها خودداری کند، چنانچه فروشنده نزد محاکم ایران علیه خریدار اقامه دعوی کند ممکن است خریدار ادعا کند که مطابق قوانین دانمارک او فاقد اهلیت قراردادی بوده و به سن رشد نرسیده است و چون به استناد مواد ۹۶۲ و ۷ قانون مدنی ایران اتباع خارجی از نظر اهلیت تابع قانون دولت متبوع خود هستند بنابراین از دادگاه می‌خواهد به استناد این ماده رأی به بطلان قرارداد بدهد.

در مقابل فروشنده ادعا می‌کند درست است که خریدار مطابق قانون دانمارک فاقد اهلیت معاملاتی است اما وی از این موضوع اطلاعی نداشته است و در ضمن معامله در ایران واقع شده و نه در کشور دانمارک و از آنجا که خریدار مطابق قانون ایران دارای اهلیت قراردادی می‌باشد بنابراین از دادگاه می‌خواهد رأی بر الزام خواننده به پرداخت ثمن معامله صادر نماید.

در اینجا دادگاه داخلی به استناد ذیل ماده ۹۶۲ قانون مدنی باید به دعوی رسیدگی نماید و ماده ۷ در این دعوی قابل اعمال نمی‌باشد. به استناد صدر ماده ۹۶۲ هرچند

تشخیص اهلیت طرف دانمارکی برای انجام معامله باید برطبق قانون دولت متبوع او صورت گیرد اما با توجه به قسمت ذیل ماده مرقوم چون معامله در ایران واقع شده صرف نظر از تابعیت خارجی خواننده نامبرده مطابق قانون مدنی ایران واجد اهلیت قراردادی می‌باشد. بنابراین دادگاه قرارداد را صحیح و معتبر دانسته و خواننده را به انجام تعهدات خود به موجب قرارداد ملزم و محکوم خواهد نمود.

ذکر یک نکته را در اینجا لازم می‌دانم و آن اینکه حکم ماده ۹۶۲ ظاهراً برخلاف بند ۲ ماده ۹۶۱ می‌باشد، زیرا در آنجا مقرر شده است بجز در موارد زیر اتباع خارجی نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود. قسمت دوم ماده ۹۶۲ مصداق موضوع بند ۲ ماده ۹۶۱ می‌باشد بنابراین حکم مواد مرقوم با یکدیگر مغایرت و تعارض دارد.

در پاسخ به این شبهه باید گفت اهلیت موضوع بند ۲ ماده ۹۶۱ از نوع اهلیت عام یا اهلیت تمتع می‌باشد. قانون‌گذار بجز در موارد حقوق مربوط به احوال شخصیه که قانون دولت متبوع خارجی آن را قبول ندارد شخص خارجی را نیز متمتع از حقوق مربوط به احوال شخصیه از جمله اهلیت تمتع که به موجب قوانین داخلی برای اتباع ایران شناخته شده می‌داند به عبارت دیگر در مورد احوال شخصیه اصل بر اجرای قانون دولت متبوع تبعه خارجی قرار داده شده است و نمی‌توان در مواردی که به موجب قوانین ایران تبعه خارجی دارای اهلیت تمتع محسوب می‌شود از اجرای قانون خارجی که تبعه خارجی را فاقد اهلیت می‌داند خودداری نمود به عبارت دیگر صرف نظر نمودن از تابعیت خارجی به منظور بهره‌مند نمودن تبعه خارجی از حقوق مدنی ایرانیان امکان‌پذیر نیست. اما اهلیت موضوع ماده ۹۶۲ از نوع اهلیت خاص یا اهلیت برای انجام معامله است که با اهلیت عام تفاوت دارد و لذا مغایرتی بین مواد مرقوم وجود ندارد و هر یک در محل خود قابلیت اجرا دارند. زیرا اهلیت معاملاتی جزء احوال شخصیه طبقه‌بندی نمی‌شود و هرچند مطابق صدر ماده ۹۶۲ احراز آن برحسب قانون دولت متبوع شخص می‌باشد، لیکن استثنائاً اگر تبعه خارجی در ایران عملی حقوقی انجام دهد که مطابق قانون ایران برای انجام آن اهلیت داشته باشد

ولو آنکه مطابق قانون دولت متبوع خود اهلیت برای انجام آن نداشته باشد قانون گذار عمل مذکور را معتبر می‌داند و او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت می‌شناسد. هرچند در ماده ۹۶۲ تمایل قانون گذار به اجرای مقررات داخلی در مورد اتباع خارجی در مواردی که به نوعی به ایران مربوط می‌شوند به چشم می‌خورد، اما در قسمت آخر ماده تصریح شده است که حکم مزبور نسبت به اعمال حقوقی مربوط به حقوق خانوادگی و حقوق ارثی یا حقوق مربوط به نقل و انتقال اموال غیرمنقول واقع در خارج از ایران اعمال نخواهد شد و در این موارد مطابق قاعده اولیه اهلیت اتباع خارجی برای انجام اعمال حقوقی براساس قانون دولت متبوع ایشان تشخیص داده خواهد شد.

مبحث دوم: قانون حاکم بر اهلیت قراردادی در عهدنامه رم ۱۹۸۰ و کنوانسیون سازمان

ملل راجع به قانون قابل اعمال بر قراردادهای بیع بین‌المللی، مصوب ۱۹۸۶^۱

در کنوانسیون راجع به بیع بین‌المللی کالاها مصوب ۱۹۸۰ و کنوانسیون راجع به قانون قابل اعمال بر قراردادهای بیع بین‌المللی مصوب ۱۹۸۶ و عهدنامه رم (حقوق بین‌الملل خصوصی اتحادیه اروپا) مصوب ۱۹۸۰ به شرایط اساسی صحت معاملات از جمله اهلیت توجه نشده و موارد مذکور به حقوق داخلی کشورهای متعهد واگذار شده است. در ادامه به برخی از مقررات مذکور اشاره ای خواهیم کرد.

در عهدنامه رم در رابطه با موضوع اهلیت در بند ۲ ماده ۱ مقرر شده است که مقررات این کنوانسیون در موارد زیر اجرا نخواهد شد:

(a) مسائل مربوط به وضعیت یا اهلیت حقوقی اشخاص حقیقی، بدون آن که خدشه ای بر ماده ۱۱ وارد سازد. اهلیتی که در این بند از ماده ۱ بدان اشاره شده، اهلیت در معنای عام آن می‌باشد که جزء احوال شخصیه محسوب می‌شود.

(e) مسائل مربوط به شرکتها و مؤسسات تجاری و غیرتجاری از قبیل وضعیت حقوقی شرکتها و مؤسسات مزبور. در این بند نیز مسئله وضعیت اشخاص حقوقی مورد

1. UN convention on the Law Applicable to Contracts for International Sale of Goods, 1986 (the Huque).

توجه قرار گرفته است.

(f) این مسئله که آیا یک نماینده می‌تواند رئیس خود را (اصیل) در مقابل شخص ثالث ملتزم سازد و یا اینکه آیا یک نهاد جزء یک شرکت یا موسسه تجاری یا غیر تجاری می‌تواند آن شرکت یا موسسه را در مقابل اشخاص ثالث متعهد و ملتزم نماید یا خیر. موارد مندرج در شقوق (a و f) بند ۲ ماده ۱ مرقوم، در ماده ۵ کنوانسیون قانون قابل اعمال بر قراردادهای بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۶ نیز تکرار شده است و کنوانسیون اخیر قانون قابل اعمال بر موضوعات زیر را تعیین نمی‌کند.

الف - اهلیت طرفین یا آثار بطلان یا بی اعتباری قرارداد به دلیل عدم اهلیت یک طرف
ب - این مسئله که آیا یک نماینده (عامل) قادر به ایجاد تعهد برای اصیل خود هست یا خیر و نیز اینکه آیا یکی از نهادهای (ارکان) یک شرکت یا مؤسسه تجاری یا غیر تجاری می‌تواند برای آن شرکت یا موسسه ایجاد تعهد نماید یا خیر.

همچنین در ماده ۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ نیز تنها مقرر شده است که «مقررات این کنوانسیون به طور خاص ارتباطی با امور ذیل نخواهد داشت مگر آنکه خلاف آن تصریح شده باشد: *علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

الف - اعتبار قرارداد یا هر یک از شروط آن یا اعتبار هر گونه عرف مربوطه.

ب - اثری که ممکن است قرارداد نسبت به مالکیت کالا داشته باشد.

کنوانسیون‌های مزبور در مورد احوال شخصیه و اهلیت معاملاتی یا قراردادی حکمی ندارند بنابراین مطابق اصل اولیه مقررات حقوق داخلی کشورها حاکم بر موضوع می‌باشد». اما در خصوص اهلیت قراردادی کنوانسیون رم در ماده ۱۱ دقیقاً به موضوع توجه نموده و حکم آن را بیان نموده است. در ماده ۱۱ مقرر شده است:

«ماده ۱۱ - عدم اهلیت

در یک قرارداد منعقد فی‌مابین اشخاصی که در یک کشور قراردادنند، یک شخص

حقیقی که به موجب قانون آن کشور از اهلیت برخوردار است تنها در صورتی می تواند به عدم اهلیت خود به موجب یک قانون دیگر استناد نماید که طرف دیگر قرارداد از عدم اهلیت او در هنگام انعقاد قرارداد آگاه بوده یا در اثر غفلت و مسامحه از آن آگاه نباشد». بنابراین مطابق این ماده اصل بر اجرای قانون محل وقوع عقد در خصوص تشخیص اهلیت متعاملین می باشد.

بنابراین هرگاه قراردادی بین اشخاصی منعقد شود که در یک کشور قراردادند اعم از آنکه در آنجا مقیم یا ساکن باشند و یا اینکه تنها برای انعقاد آن معامله خاص در آن کشور حاضر شده باشند، در صورتی که هر دو طرف مطابق قانون محل وقوع عقد اهلیت برای انجام معامله داشته باشند ولیکن یکی از آنها پس از انجام معامله ادعا کند که مطابق قانون دیگر، خواه قانون دولت متبوع خود و یا قانون محل اقامتگاه خود و یا قانون کشوری که محل تجارت او در آن کشور قرار دارد و یا قانون محل اجرای تعهدات ناشی از قرارداد و یا سایر قوانین مرتبط با موضوع فاقد اهلیت لازم برای انجام معامله بوده است، به موجب این ماده تنها در صورتی این ادعا پذیرفته خواهد شد که:

الف - طرف دیگر از عدم اهلیت او هنگام انعقاد قرارداد مطلع باشد.

ب - و یا اینکه در اثر غفلت و مسامحه خود از این موضوع بی خبر باشد. در غیر این صورت قانون کشور محل وقوع عقد اجرا خواهد شد.

این امر بدین منظور مورد قبول واقع شده تا جلوی سوء استفاده از وضعیت ظاهری اشخاص گرفته شود و اشخاص براساس اصل حسن نیت از انجام معامله با چنین فردی که می دانند به موجب قانون مناسب یا مرتبط با وی فاقد اهلیت می باشد ولو آنکه به موجب قانون محل وقوع قرارداد دارای اهلیت باشد خودداری نمایند. بنابراین چنانچه شخص این امکان را در اختیار داشته تا اطلاع کافی در خصوص اهلیت یا عدم اهلیت قراردادی طرف معامله خود به موجب سایر قوانین مرتبط و مناسب و حاکم بر آن کسب کند ولی در اثر مسامحه و غفلت از انجام این امر خودداری کرده باشد و یا آنکه هنگام انعقاد قرارداد از

عدم اهلیت وی به موجب قوانین مزبور مطلع باشد. در صورت وقوع اختلاف فیما بین طرفین در رابطه با قرارداد منعقد می‌بایستی تاوان اشتباه خود را بدهد و معامله توسط دادگاه ابطال خواهد شد. البته لازم به تذکر است که مفاد این کنوانسیون فقط در رابطه با کشورهایی که بدان پیوسته‌اند قابل اجرا می‌باشد.

مبحث سوم: مقایسه ماده ۱۱ عهدنامه رم با ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران

ظاهراً این قاعده در قانون مدنی ایران مورد توجه قرار نگرفته است و برخلاف مفاد آن در ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران مقرر شده است که تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن برحسب قانون دولت متبوع او خواهد بود بنابراین هرگاه بین دو نفر با تابعیت‌های مختلف قراردادی منعقد شود و سپس منجر به وقوع اختلاف شود و یک طرف نزد دادگاه ایرانی برعلیه دیگری اقامه دعوی کند و الزام وی را به انجام تعهدات ناشی از قرارداد بخواهد ولی خواننده به استناد قانون دولت متبوع خود را فاقد اهلیت معرفی نماید دادگاه ایران به استناد صدر ماده ۹۶۲ باید این دعوی را بپذیرد و در صورت احراز عدم اهلیت او به موجب قانون دولت متبوع وی حکم به بطلان قرارداد بدهد.

زیرا مطابق ماده ۹۶۲ تشخیص اهلیت اشخاص برای انجام معامله تابع قانون دولت متبوع متعاملین می باشد و قانون محل وقوع عقد یا سایر قوانین مرتبط با شخص خارجی تأثیری بر احراز یا عدم احراز اهلیت ایشان ندارد ولو آنکه قرارداد در یک کشور ثالث با حضور طرفین منعقد شده باشد. بنابراین ظاهراً قانون محل وقوع قرارداد تأثیری بر موضوع ندارد و در نتیجه از این لحاظ مفاد صدر ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران مغایر با مفاد ماده ۱۱ کنوانسیون وین می باشد.

اما استناد به عدم اهلیت به موجب قانون دیگری بجز قانون محل وقوع عقد مشروط بر اطلاع طرف مقابل از عدم اهلیت وی در هنگام انجام معامله و یا غفلت و کوتاهی او از دستیابی به این اطلاع و آگاهی نیز در قانون ایران مورد توجه واقع نشده است و ظاهراً اینها از تأسیسات حقوقی جدیدی هستند که به تدریج در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی

پذیرفته می‌شوند.

اما در ادامه ماده ۹۶۲ تنها در یک مورد قانون محل وقوع معامله یا عمل حقوقی بر اهلیت اتباع خارجی اطراف قرارداد مؤثر دانسته شده است و آن در موردی است که تبعه خارجی «در ایران» عمل حقوقی انجام دهد، که در این صورت هرگاه مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقص داشته باشد، چنانچه قطع نظر از تابعیت خارجی‌اش به موجب قانون ایران برای انجام آن عمل دارای اهلیت باشد، آن شخص برای انجام آن عمل دارای اهلیت محسوب خواهد شد.

همان طور که ملاحظه می‌شود حکم مندرج در ماده ۹۶۲ دقیقاً برخلاف حکم مندرج در ماده ۱۱ کنوانسیون رم می‌باشد. زیرا در ماده ۱۱ اصل بر اجرای قانون محل وقوع عقد در خصوص تشخیص اهلیت اشخاص برای انجام معامله قرار داده شده است، مشروط بر آنکه طرفین در یک کشور قرار داشته و قرارداد را منعقد کرده باشند و تنها به طور استثنایی در دو مورد تشخیص اهلیت اشخاص به قوانین دیگر واگذار شده است آن هم در صورتی که طرف مقابل مدعی عدم اهلیت خود باشد.

اما در ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران اصل بر اجرای قانون دولت متبوع اتباع خارجی برای تشخیص اهلیت ایشان برای انجام معامله است و به طور استثنایی تنها در صورتی که عمل حقوقی توسط ایشان در ایران صورت گیرد و مطابق قانون ایران از اهلیت قانونی برای انجام آن عمل برخوردار باشند صرف‌نظر از آنکه مطابق قانون دولت متبوع خود دارای اهلیت برای انجام آن عمل نباشند تشخیص اهلیت ایشان براساس قانون ایران صورت خواهد گرفت، خواه تبعه خارجی و یا طرف مقابل او مدعی اهلیت یا عدم اهلیت وی باشند و حتماً لازم نیست که او مدعی عدم اهلیت خود باشد.

دیگر آنکه هرگاه معامله از راه دور انجام شود و طرفین معامله در یک کشور نباشند، اجرای مفاد ۱۱ کنوانسیون ممکن نخواهد بود. به علاوه مفاد ماده ۹۶۲ تنها در صورتی که عمل حقوقی در ایران انجام شود قابل اجرا می‌باشد و الا حضور دو طرف معامله در یک

کشور ثالث و انعقاد قرارداد در آنجا باعث نمی‌شود که قانون آن کشور را دادگاه ایرانی در موارد اختلاف اجرا نماید، در نتیجه ماده ۱۱ کنوانسیون راه را برای استناد به عدم اهلیت انجام معامله برای کسی که متضرر از انجام معامله می‌باشد باز گذاشته است و او می‌تواند با استناد به این ماده از انجام تعهدات قراردادی خود سرباز زند. و دلیل وضع این قاعده هم همان طور که عنوان شد جلوگیری از تضييع حقوق اشخاص در اثر عدم توانایی در دفاع از حقوق خود و لزوم رعایت اصل حسن نیت از سوی طرف مقابل چنین شخصی در معامله با وی در صورت آگاهی از عدم اهلیت وی به موجب سایر قوانین عنوان شده است.

اما در ماده ۹۶۲ قانون گذار با همین استدلال‌ها برای جلوگیری از سوءاستفاده اشخاص از موضوع عدم اهلیت به موجب قانون دولت متبوع خود به ضرر اشخاصی که با ایشان معامله می‌کنند، خواه اتباع ایرانی یا اتباع سایر کشورها، حکم نموده در صورتی که تبعه خارجی در ایران عمل حقوقی انجام دهد و به موجب قانون ایران واجد اهلیت باشد ولو آنکه به موجب قانون دولت متبوع خود فاقد اهلیت باشد آن عمل حقوقی صحیح تلقی خواهد شد و طرف خارجی ملزم به اجرای تعهدات خود ناشی از قرارداد یا عمل حقوقی مذکور خواهد بود.

با مقایسه این دو ماده روشن می‌شود که واضعین ماده ۱۱ کنوانسیون دقیقاً با توجه مقرراتی از قبیل ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران به این نتیجه رسیده‌اند که اعمال قانون محل وقوع عقد در مورد احراز اهلیت طرفین قرارداد در مواردی که طرفین در یک کشور حضور دارند و عقد در همان کشور منعقد می‌شود یک اصل کلی است، برخلاف مقررات ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران که به صورت استثنایی این امر را پذیرفته است و اصل کلی در خصوص احراز اهلیت اشخاص برای انجام معامله را بر اعمال قانون دولت متبوع ایشان قرار داده است. و تنها در یک مورد به طور استثنایی قانون محل وقوع عقد را در این باره حاکم می‌داند.

همان طور که ملاحظه شد برای جلوگیری از سوءاستفاده اشخاصی که از عدم اهلیت

طرف معامله خود به موجب قوانین ملی یا محل اقامتگاه آنان یا سایر قوانین مرتبط آگاه بوده و یا می‌توانسته‌اند مطلع شوند مع الوصف برای کسب سود و درآمد و به زبان آنها مبادرت به انجام معامله با ایشان می‌کنند با این امید که محاکم داخلی کشور محل وقوع قرارداد بخاطر حمایت از قوانین داخلی خود نیز که شده طرف مقابل را دارای اهلیت شناخته و محکوم به انجام تعهدات قراردادی خود خواهند نمود، ماده ۱۱ عهدنامه رم برای جلوگیری از چنین روش‌های غیرمنصفانه‌ای به شخص متضرر این حق را داده تا به عدم اهلیت خود به موجب قانون دیگری بجز قانون محل وقوع قرارداد استناد نموده و تقاضای ابطال قرارداد را بنماید.

بنابراین به نظر می‌رسد ترتیبی که در ماده ۱۱ کنوانسیون رم برگزیده شده است ترتیب مناسبی می‌باشد و بهتر است که این ترتیب در مقررات بین‌الملل خصوصی ایران نیز مورد اقتباس قرار گیرد.

مبحث چهارم - قانون حاکم بر اهلیت قراردادی در قانون بین‌الملل خصوصی کشور سوئیس مصوب ۱۹۸۲ و مقایسه آن با ماده ۱۱ عهدنامه رم و ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران

ترتیب مندرج در ماده ۱۱ عهدنامه رم کمابیش در ماده ۳۶ قانون بین‌الملل خصوصی کشور سوئیس نیز پذیرفته شده است، با این تفاوت که در آنجا قانون محل اقامتگاه شخص مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۳۶ مقرر شده است: «هر یک از طرفین معامله که به موجب قانون کشور محل اقامتگاه خود فاقد اهلیت باشد نمی‌تواند به آن استناد کند هرگاه او به موجب قانون کشوری که معامله در آنجا واقع شده است دارای اهلیت باشد مگر این که طرف دیگر از عدم اهلیت او اطلاع داشته یا باید اطلاع داشته باشد».

این در حالی است که به موجب ماده ۳۵ قانون بین‌الملل خصوصی سوئیس تشخیص اهلیت اشخاص برای انجام معامله به طور کلی تابع قانون محل اقامتگاه ایشان قرار داده شده است.

هرچند ماده ۳۵ با صدر ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران به نوعی شباهت دارد و در هر دو ماده یک اصل کلی برای تشخیص اهلیت اشخاص پذیرفته شده است، با این تفاوت که در ماده ۳۶ قانون اقامتگاه و در ماده ۹۶۲ قانون ملی اشخاص حاکم قرار داده شده است، ظاهراً ماده ۳۶ به ماده ۱۱ عهدنامه رم شباهت دارد. هرچند که این ماده به ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران نیز شباهت دارد، زیرا با وجود اختلاف بین قوانین ایران و سویس در حاکم دانستن قانون دولت متبوع تبعه خارجی یا قانون محل اقامتگاه وی، در تشخیص اهلیت معاملاتی اشخاص حکم هر دو ماده یکی می‌باشد و آن اینکه در هر دو ماده مقرر شده است که قانون محل وقوع عقد، چنانچه بجز محل اقامتگاه یا کشور متبوع متعاملین باشد حاکم بر اهلیت ایشان خواهد بود هرگاه به موجب قانون اخیر طرفین قرارداد دارای اهلیت معامله باشند و آن معامله نیز صحیح خواهد بود ولو آنکه متعاملین به موجب قانون دولت متبوع یا محل اقامتگاه خود فاقد اهلیت باشد. با این تفاوت که حکم ماده ۹۶۲ محدودتر از حکم ماده ۳۶ می‌باشد و تنها شامل عقود یا اعمال حقوقی می‌شود که در ایران انجام شده باشد.

از سوی دیگر می‌توان گفت ماده ۳۶ قانون بین‌الملل خصوصی سویس نیز همچون ماده ۱۱ عهدنامه رم اصل را بر اجرای قانون محل وقوع عقد در خصوص تشخیص و احراز اهلیت معاملاتی طرفین قرارداده است و تنها در موارد استثنایی عدم اجرای مقررات آن قانون را در خصوص مورد تجویز می‌کند و آن در صورتی است که یک طرف قرارداد به عدم اهلیت خود به موجب قانون محل اقامت خود استناد کند و طرف مقابل نیز از عدم اهلیت او به موجب قانون مزبور مطلع بوده یا باید مطلع باشد. این شرایط تقریباً مشابه شرایطی است که در ماده ۱۱ عهدنامه رم درج شده‌اند در حالی که در ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران چنین قیودی وجود ندارد.

اما تفاوت‌هایی نیز بین مفاد ماده ۱۱ کنوانسیون و ماده ۳۶ قانون بین‌المللی سویس وجود دارد. اول آنکه در ماده ۱۱ عهدنامه اصل بر تشخیص اهلیت قراردادی اشخاص

براساس قانون محل وقوع عقد قرار داده شده است. برخلاف ماده ۳۵ قانون سویس که اصل را بر اجرای قانون محل اقامت اشخاص قرار داده است و تنها در مورد معاملاتی که در کشورهای دیگر صورت می‌گیرد به استناد ماده ۳۶ قانون محل وقوع عقد را استثنائاً در صورتی که شخص به موجب قانون مزبور دارای اهلیت شناخته شود نسبت به اهلیت متعاملین حاکم می‌داند به عبارت دیگر در عهدنامه رم تنها یک قاعده در مورد اهلیت معاملاتی اشخاص وضع شده و آنهم مربوط به انعقاد قراردادهاست که تابع قانون محل وقوع قرارداد می‌باشد ولیکن قاعده کلی در مورد اهلیت اشخاص برای انجام اعمال حقوقی دیگر وضع نشده است و عهدنامه در این باره ساکت است. اما در قانون بین‌الملل خصوصی سویس و قانون مدنی ایران قاعده کلی و عمومی برای تشخیص اهلیت اشخاص برای انجام اعمال حقوقی وضع شده است و تنها به طور استثنایی قانون محل وقوع عقد را در مورد اهلیت استیفاء قابل اعمال می‌دانند. به عبارت دیگر تشخیص اهلیت تابع قوانین داخلی کشورهاست نه عهدنامه. دوم آنکه در ماده ۱۱ بر این مطلب تأکید شده است که قرارداد باید بین اشخاصی منعقد شده باشد که در یک کشور قرار دارند اما در ماده ۳۶ چنین قیدی وجود ندارد بنابراین ولو آنکه قرارداد بین دو نفر منعقد شده باشد که در کشورهای مختلف سکونت یا اقامت دارند و یا آنکه معامله به صورت غیر حضوری صورت گیرد در هر صورت قانون محل وقوع عقد حاکم بر اهلیت طرفین معامله خواهد بود مگر در مواردی که در ادامه ماده ذکر شده است.

نکته مهم آن است که در هر سه قانون اصل بر اهلیت اشخاص گذاشته شده است و نه عدم اهلیت آنها زیرا استحکام و ثبات قراردادها و تداوم و اجرای مفاد آنها برای قانون‌گذار از اهمیت بیشتری برخوردار است تا فسخ و ابطال قرارداد، مگر آنکه با توجه به شرایط و اوضاع و احوال در هر مورد خاص ابطال قرارداد بر ادامه آن ترجیح داشته باشد که در این صورت دادگاه با توجه به جمیع اوضاع و احوال در خصوص مورد رأی مقتضی صادر خواهد نمود.

تفاوت دیگر آن است که برخلاف ماده ۱۱ عهدنامه که ادعای عدم اهلیت را به طور عام براساس قوانین دیگر، خواه قانون محل اقامتگاه مدعی یا قانون دولت متبوع وی و یا سایر قوانین، قابل استناد و استماع می‌داند ماده ۳۶ قانون سويس ادعای عدم اهلیت برای انجام معامله را تنها به استناد قانون کشور محل وقوع اقامتگاه مدعی مجاز دانسته و ادعای عدم اهلیت به موجب سایر قوانین را مجاز ندانسته است. ولی در ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران استناد به اهلیت یا عدم اهلیت تنها براساس قانون ملی اشخاص خارجی امکان پذیر می‌باشد و استناد به سایر قوانین مجاز نمی‌باشد.

تفاوت دیگر آنکه در ماده ۳۵ قانون بین‌الملل خصوصی سويس به عنوان یک اصل اهلیت استیفاء به طور کلی تابع قانون محل اقامتگاه شخص دانسته شده است در حالی که در ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران به عنوان یک اصل اهلیت انجام عمل حقوقی تابع قانون دولت متبوع متعاملین قرارداد شده است. ولی در هر دو قانون در موارد استثنایی اجازه احراز اهلیت شخص براساس قانون محل انجام عمل حقوقی داده شده است. با این تفاوت که در قانون سويس شرایطی درج شده است که با احراز آن شرایط دوباره قانون محل اقامتگاه شخص باید اعمال شود ولیکن در قانون ایران چنین شرایطی پیش‌بینی نشده است بلکه شرایط دیگری قرارداد شده تا اینکه قانون محل وقوع عمل حقوقی استثنائاً بر قضیه حاکم شود آن هم تنها در صورتی که عمل حقوقی در ایران انجام شود و فرد مرتکب به موجب قانون ایران دارای اهلیت باشد.

شباهت دیگری که بین ماده ۳۶ قانون بین‌الملل خصوصی سويس و ماده ۹۶۲ قانون مدنی ایران وجود دارد آن است که در هر دو ماده مقرر شده است که قانون محل وقوع عقد در مورد اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی و یا نقل و انتقال اموال غیر منقول باشد اعمال نخواهد شد. با این تفاوت که معامله نسبت به اراضی و املاک واقع در ایران اصولاً به موجب قانون ایران برای خارجیان ممنوع و یا تابع دشواری‌های فراوان و اصولاً تابع قانون ایران می‌باشد، بنابراین در ادامه ماده ۹۶۲ تنها معاملات راجع به

اموال غیرمنقول واقع در خارج از ایران از شمول حکم مندرج در قسمت اخیر ماده مرقوم خارج گردیده و احراز اهلیت اشخاص خارجی که نسبت به اموال مذکور در ایران معامله می نمایند تابع اصل کلی قرارداد شده و قانون دولت متبوع ایشان را در این باره حاکم می‌داند. یک تفاوت دیگر که بین قانون مدنی ایران و عهدنامه رم و قانون بین الملل خصوصی سویس دیده می‌شود آن است که استناد به عدم اهلیت صراحتاً در قانون مدنی ایران پیش‌بینی نشده و حال آن که در کنوانسیون رم و حقوق سویس این امر به طور صریح پیش‌بینی و مقرر شده است و همان طور که قبلاً بیان شد این امر باید در حقوق ایران نیز پیش‌بینی شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی